

دو فصلنامه تفسیر پژوهی
سال نهم، شماره یازدهم
بهار و تابستان ۹۸
صفحات ۲۱۵-۱۸۷

درآمدی بر کارکردهای وقف با تأکید بر آیات قرآن کریم*

سجاد محمدفام**

چکیده

در فرهنگ اسلامی، نهاد وقف نقش ویژه‌ای داشته و از منظرهای مختلف اخلاقی، حقوقی و اقتصادی به آن نگریسته شده است. از سوی دیگر به جهت ترویج این سنت حسنه و برای فرهنگ‌سازی آن در بین مردم، نیاز به معرفی و شناخت بیشتر کارکردهای این نهاد ضرورت دارد. از این رو مسئله این نوشتار این است که از آیات قرآن چه کارکردهایی برای وقف قابل استنباط است؟ با توجه به اینکه وقف در معنای اصطلاحی خود در قرآن استعمال نشده است به لحاظ روشی برای استخراج آیات مرتبط، از حوزه معنایی مباحث معناشناسی استفاده شده است. در این راستا در گام اول با تحلیل معنای اصطلاحی وقف، واژه‌های «احسان، انفاق، برّ، قرض الحسنه، صدقه و باقیات الصالحات» به‌عنوان واژگان حوزه معنایی بخشش شناسایی شده‌اند؛ در گام دوم با بهره‌گیری از این کلیدواژه‌ها، آیات مرتبط استخراج شده و با نگاهی توصیفی و تحلیلی به گونه‌شناسی مفاد آن آیات پرداخته شده است. از آیات قرآن کارکردهای زیادی را برای وقف می‌توان استنباط کرد که در این نوشتار به‌عنوان درآمدی بر این کارکردها به هشت مورد آن اشاره شده است که «کارکرد معنوی، کارکرد اقتصادی، کارکرد علمی و فرهنگی، کارکرد اخلاقی و کارکرد اخروی» از جمله آن‌هاست.

کلیدواژه‌ها: صدقه جاریه، وقف، انفاق، کارکرد وقف، قرآن.

*- تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۳

ac.mohammadfam@azaruniv.ac.ir

** استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان،

مقدمه

وقف از با سابقه‌ترین سنت‌های حسنه است که از صدر اسلام تاکنون در همه جوامع مسلمین در کانون توجه بوده و به‌رغم همه نوسان‌ها و دگرگونی‌هایی که در عمر طولانی خود به آنها مبتلا بوده، آثار بسیار ارزشمند و مؤثری در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... بر جای گذاشته است و همچنان می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در این زمینه‌ها در جوامع اسلامی مطرح باشد. بعد از انقلاب اسلامی، یکی از اهداف اصلی متولیان اوقاف این بوده که این سنت حسنه را در جامعه ترویج دهند از این‌رو با برنامه‌هایی مانند برگزاری همایش، چاپ کتب و انتشار مقالات به دنبال معرفی وقف و فواید و کارکردهای آن بوده‌اند. از این‌رو آثاری در زمینه کارکردها و فواید وقف نگاشته شده ولی اغلب این تحقیقات از جنبه‌ای خاص به موضوع پرداخته‌اند و پژوهشی‌هایی که بتواند جوانب متعدد کارکردها و فواید وقف را مطرح کند کم‌تر مورد عنایت پژوهشگران بوده است.

از سوی دیگر بنا به گزارش برخی پژوهش‌ها، آمارها حاکی از آن است که وقف و موقوفه‌ها نسبت به گذشته روند نزولی به خود گرفته است و در جامعه کنونی مردم رغبت کمتری به این مسئله مهم دارند. این روند نزولی معلول علت متعددی است که در برخی پژوهش‌ها به آسیب‌شناسی این علل پرداخته شده است. (نک: مهتابی زیناب، ۱۳۹۲: سراسر اثر) به نظر می‌رسد یکی از اصلی‌ترین علل کم شدن وقف، این باشد که مسلمین نسبت به ارزش و کارکرد این سنت حسنه آشنایی و اطلاع کافی ندارد و از این‌رو انگیزه‌ای که آنها را به سمت این عمل برانگیزاند وجود ندارد.

بر اساس این دو مقدمه می‌توان گفت برای رونق‌بخشی به این سنت حسنه، ضرورت دارد به تبیین کارکردهای آن پرداخته شود. سؤال اصلی که این مقاله در پی

پاسخگویی به آن است، بدین شرح است که بر اساس آیات نورانی قرآن کریم چه کارکردهایی برای وقف متصور است؟ با جستجوی در منابع اطلاعاتی پژوهشی که از منظر آیات به بررسی کارکردهای وقف پرداخته باشد یافت نشد و این مطلب ضرورت پژوهش در این زمینه را دوچندان می‌نماید.

۱. روش تحقیق

با توجه به اینکه وقف از اصطلاحاتی است که به صورت مستقیم در قرآن استعمال نشده است از این رو برای بررسی کارکردهای وقف ابتدا لازم است مفهوم‌شناسی از این اصطلاح متشرعه صورت گیرد و در گام بعد با توجه به مفهوم‌شناسی، حوزه معنایی وقف در واژگان قرآنی استخراج شود. لازم به ذکر است که منظور از حوزه معنایی واژگانی هستند که از جنبه دلالتی با یکدیگر مرتبط بوده و دارای اشتراکاتی هستند. در گام سوم لازم است با استفاده از واژگان حوزه معنایی وقف به استخراج آیات مرتبط پرداخته شود و در گام آخر به شکل توصیفی - تحلیلی به گونه‌شناسی مفاد آیات اقدام خواهد شد و از رهگذر این گونه‌شناسی به تبیین کارکردهای وقف اقدام خواهد شد. البته مدعای این مقاله این نیست که به صورت جامع و مانع به این سؤال جواب داده بلکه این پژوهش طرح بحث و درآمدی در این زمینه است.

۲. مفهوم‌شناسی وقف

وقف در لغت به معنای حبس شدن/کردن و نگه داشتن (طریحی، ۱۳۷۵ ش: ۱۲۹/۵) و مکث کردن (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۳/۲۰۰) است. ماده «و ق ف» چهار مرتبه در قرآن بکار رفته (انعام/۲۷ و ۳۰، سبأ/۳۱، صافات/۲۴) و در همه موارد به

معنای لغوی استعمال شده است و متفاوت از کاربرد اصطلاحی است؛ بنابراین پی‌جوئی مشتقات ماده وقف راهگشا نیست.

در طبقه‌بندی مفاهیم دینی، وقف از جمله مباحث فقهی قلمداد می‌شود و از این رو برای تعریف اصطلاحی وقف ناگزیر از مراجعه به کتب فقهی هستیم. شیخ طوسی در تعریف اصطلاحی وقف آورده است: «فالوقف تحبیس الأصل، و تسبیل المنفعة» وقف نگه داشتن اصل ملک و جاری ساختن منفعت است. (طوسی، ۱۳۸۷ ق: ۲۸۶/۳). این تعریف از آنجاکه به گفته محقق کرکی ظاهراً برگرفته از فرمایش پیامبر اکرم (ص) بوده که فرموده‌اند: «حبس الأصل و سبل الثمرة» (نسائی، ۱۴۱۱: ۹۵/۴)، مورد پذیرش فقهای بعد از او قرار گرفت است (حلی، ۱۳۸۸ ق: ۴۲۷؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۷/۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۶۳/۳)؛ بنابراین وقف در تعریف شرعی و اصطلاحی‌اش به معنای نوعی از عطیه است که در آن اصل مورد اعطاء منع و حبس می‌شود و منفعت آن آزاد گذاشته می‌شود. (مغنیه، ۱۴۲۱: ۵۵/۲۲).

واژه «تحبیس» که در تعریف وقف آمده است به معنای حبس سرمایه و اموال موقوفه از قرار گرفتن در مسیر فعالیت‌های اقتصادی از جمله تولید و خدمات (البته با رعایت ضوابط و اهداف واقفان) نیست. فقها در توضیح منظور خود از «تحبیس» آورده‌اند که «حبس در اینجا به معنای منع و جلوگیری از منتقل ساختن رقبه و سرمایه وقف به دیگری با عناوینی چون بیع، هبه، اجاره و .. است». (نک: شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۶۳/۳؛ مغنیه، ۱۴۲۱: ۵۸/۲) همچنین در مباحث فقهی و غالب وقف‌نامه‌ها آمده است که در مرحله اول لازم است از درآمد مال وقفی صرف تعمیرات و اصلاح خود مال وقفی شود تا هم سالم بماند و هم بتواند دارای درآمد بیشتری شود، یعنی افزایش درآمد سرمایه‌های وقفی (با رعایت موازین) که مورد

درآمدی بر کارکردهای وقف با تأکید بر آیات قرآن کریم ۱۹۱

رضایت شارع و نیز در جهت تحقق اهداف واقفان است. (خیرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱). منظور از تسبیل یعنی «بهره آن را فی سبیل الله و صدقه جاریه قرار دادن» است. بنابراین در جمع‌بندی باید گفت: وقف در اصطلاح نوعی سرمایه‌گذاری است که در آن اصل سرمایه باید محفوظ بماند و منافع آن شرعاً و رایگان در اختیار تأسیسات یا شخص یا اشخاص مخصوص و به مصرف نیازهای مقبول برسد. ارتباط معنای لغوی و اصطلاحی آن در بیان این نکته است که تحبیس مال و تسبیل منافع، مانع از به‌کارگیری این اموال در مصارف دیگر می‌شود. (ناصری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵)

۳. تاریخچه وقف

نوع دوستی، تعاون و خیرخواهی، در سرشت آدمی نهاده شده (نک: قرآن کریم، سوره شمس/ ۸) و وقف به‌عنوان یکی از مصادیق آنها و راهی برای وصول به آنها در امم و ادیان قبل از اسلام نیز وجود داشته است (نک: حیدری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷-۵۲). این عنوان پیش از اسلام بین پیروان ادیان در غرب و شرق جهان بود؛ و اداره معبدها، صومعه‌ها، آتشکده‌ها، زندگی اُسقف‌ها، موبدان و کاهنان از منافع موقوفات بوده است. (نک: مصطفوی، ۱۳۵۱: ۳۱-۴۳) و شیخ صدوق به نقل از امام صادق علیه‌السلام آورده است که مجوس بر آتشکده‌های خود وقف می‌کردند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲۵۱/۴) بنابراین وقف از سنت‌های تأسیسی اسلام نیست؛ بلکه اسلام سیره‌ی جاری ادیان و ملل پیشین را به‌عنوان یک عمل نیکو و مقبول تأیید و نسبت به آن ترغیب کرده است. البته در جهان اسلام، این سنت پسندیده رونقی زایدالوصف یافت و با اثرپذیری از جهان‌بینی اسلامی و برخورداری از پشتوانه احکام شرعی، به شکلی استوار و جهت‌دار در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به جریان خود ادامه داد.

از آن جهت که حضرات معصومان علیهم‌السلام قرآن ناطق‌اند و در تمام حسنات، امامت امت را به عهده‌دارند و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حکم آن معتقد و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم و اهل بیت معصوم آن حضرت علیهم‌السلام اقدام به وقف کرده‌اند.

درباره پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم چنین آمده است که ایشان اموالی را وقف کردند که از عواید آن، به مصرف میهمانان می‌رساندند: «تصدّق رسول الله صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم بأموالٍ جعلها وقفاً و كان ينفق منها على أضيافه...» (ابن حیون، ۱۳۸۵ ق: ۲ / ۳۴۱) بنا بر گزارش‌های تاریخی زمین‌های مخیریق از نخستین موقوفات پیامبر اکرم بوده است. ابن هشام می‌گوید: مخیریق از علمای ثروتمند یهودی بود که اموال زیادی داشت و آنها را در اواخر عمرش با وصیت به رسول خدا بخشید و پیامبر آن اموال را وقف عام کرد: «قبض رسول الله (ص) أمواله، فعامة صدقات رسول الله (ص) بالمدينة منها». (ابن هشام، بی تا: ۵۱۸/۱؛ برای اطلاع بیشتر درباره سایر موقوفات پیامبر اکرم نک: چنارانی، ۱۳۸۱: ۲۸-۲۹)

در رتبه بعد پرچمدار این سنت حسنه امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. در باره آن حضرت آمده است: «... عمد إلى ماله فجعله صدقة متولة تجرى بعده للفقراء...». (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۲ / ۳۴۰). همچنین در منابع تاریخی آمده که علی علیه‌السلام چشمه‌هایی را در ینبع، سویقه و مدینه ایجاد کرد و زمین‌های موات فراوانی را احیا کرد سپس آنها را از ملک خود خارج ساخته و صدقه برای مسلمانان قرار داد. ایشان در آخرین وقف نامه خود تمامی اموال و دارایی‌های خود را وقف نموده‌اند و متن کامل این وقف نامه در کتب تاریخی و حدیثی متعددی آمده است. (ر.ک: خوشنودی، ۱۳۹۱: ۱۶۶) سایر اصحاب پیامبر نیز از این مسابقه در خیرات عقب نمانده‌اند و در

درآمدی بر کارکردهای وقف با تأکید بر آیات قرآن کریم ۱۹۳

روایتی از جابر نقل شده که «لَمْ يَكُنْ مِنَ الصَّحَابَةِ ذُو مَقْدَرَةٍ إِلَّا وَقَفَ وَقْفًا» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۲۶۱/۳) نبود از صحابه کسی که دارای توانایی مالی باشد مگر این که مقداری از آن را وقف کرد. همچنین از کاروان نیکوکاران زنان نیز جا نماده‌اند. ثقة‌الاسلام کلینی در باب الصدقات، اوقافی را از حضرت زهرا سلام الله علیها نقل کرده است که حضرت صدیقه کبرا، فاطمه زهرا صلوات الله علیها اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهما السلام سپس به سید شهداء حضرت حسین بن علی علیهما السلام و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض سپرد (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۴۶/۱۳) همچنین از سایر معصومین علیهم السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند؛ حتی در باره حضرت سید الشهداء علیه السلام رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم خریداری فرمود و آن را بر ایشان تصدق نمود.

در صدر اسلام، تعداد موقوفات بسیار نبوده، ولی به تدریج با فتوحات اسلامی و گسترش سرزمین‌های اسلامی و یا بهتر شدن وضع مسلمانان از نظر مالی، به همان میزان موقوفات آنها هم از جهت کمی و کیفی گسترش پیدا نمود. در زمان حکومت عباسیان تقریباً در کشورهای اسلامی آن روز، از راه موقوفات و صدقات مقداری از منابع عامه تأمین می‌شد. در دوره صفویه وقف در ایران رشد و شتاب قابل توجهی به خود گرفت ولی با سقوط صفویان این شتاب کندتر شد. تا اینکه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأکید رهبران نظام بر حفاظت و صیانت از موقوفات، روح تازه‌ای بر جریان احیای موقوفات دمیده شد و هم‌اکنون این بار سنگین بر گرده سازمان اوقاف است.

۴. کارکردهای وقف

همچنان که قبلاً گذشت مشتقات ریشه «وقف» در آیات قرآن به معنای لغوی آن استعمال شده‌اند و جستجوی آیات با کلیدواژه وقف برای استخراج آیات مرتبط با وقف مصطلح راه به جایی نمی‌برد. ولی از آنجایی که در فرهنگ اسلامی ماهیت وقف، گونه‌ای از انفاق، صدقه، هدیه و بخشش را شامل می‌شود که به خاطر رضایت خدا و مصالح خلق از ملکیت مالک خارج می‌شود، می‌توان گفت این اصطلاحات همگی با مفهوم وقف هم‌پوشانی داشته و به یک حوزه معنایی تعلق دارند.

از جمله قرائنی که مؤید این سخن هست عملکرد کلینی در الکافی است. کلینی چند روایت محدود در رابطه با وقف آورده است که اولاً آنها را در کنار روایات بیانگر صدقه آورده است و ثانیاً در مقام عنوان گذاری برای این روایات در عنوان باب، به جای لفظ وقف از لفظ صدقه استفاده کرده است: «بَابُ صَدَقَاتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفَاطِمَةَ وَالأَنْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَوَصَايَاهُمْ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۳/۴۴۴).

همچنین در روایات نیز از «وقف» با تعبیری چون «صدقه»، «صدقه جاریه»، «صدقه موقوفه»، «صدقه مقبوضه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۰/۱۸۱)، «صدقه مبتولیه» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۳/۴۶۶) یاد شده است. به عنوان مثال مسلم در صحیحش روایتی از پیامبر اکرم را چنین نقل می‌کند: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ» (صحیح مسلم، بی تا: ۷۳/۵)؛ این روایت به اختلاف در کتاب‌های الوسائل باب الوقف و الصدقات، سنن ابی داود، سنن النسائی و کنز العمال نقل شده است. همچنین در کتب روایی در رابطه با وقف‌های ائمه معصومان مانند علی بن ابیطالب، امام صادق و موسی بن جعفر، امام

درآمدی بر کارکردهای وقف با تأکید بر آیات قرآن کریم ۱۹۵

رضا علیهم السلام این تعبیر آمده است: «هذا ما تصدق به...» (نک: کلینی، ۱۴۲۹: ۲۲۲/۱۳ و ۴۵۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲۴۹/۴). شیخ صدوق وقف‌نامه علی علیه‌السلام را با این تعبیر آورده است: «... هذا ما تصدق به علی بن ابی طالب و هو حی سوی تصدق بداره الّتی فی بنی زریق صدقة لا تُباع و لا تُوهب و لا تُورث...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲۴۸/۴).

بنابراین می‌توان گفت تلقی از وقف همان صدقه بوده همان‌طور که شیخ مفید در ابتدای کتاب الوقوف و الصدقات این‌گونه توضیح می‌دهد: «الوقوف فی الأصل صدقات...» (مفید، ۱۴۱۳: ۶۵۲). با این امتیاز که نوع خاصی از صدقه است که دارای ویژگی‌های خاصی هست. در این راستا برخی از علما از دلالت برخی آیات شریفه بر وقف سخن گفته و وقف را یکی از مصادیق واژه‌های مطرح شده در قرآن عنوان کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به آیات مربوط به احسان، انفاق، برّ، قرض‌الحسنه، صدقه و باقیات الصالحات اشاره کرد. بروجردی در جامع احادیث الشیعه، در ابتدای کتاب الوقوف و الصدقات، آیات مربوط به قرض و صدقه را آورده است (بروجردی، ۱۳۸۶ ش: ۲۲۴/۲۴).

از این روش کار در این تحقیق بدین‌صورت است که با استفاده از کلیدواژگان «صدقه، قرض، انفاق، برّ، باقیات صالحات و احسان» که بیانگر حوزه معنایی وقف هستند (اخوان مقدم و خلجی، ۱۳۹۷: ۱۱۱)، آیات مورد نظر استخراج شده و در مرحله بعد به طبقه‌بندی این آیات پرداخته شده و با تحلیل توصیفی سعی در گونه‌شناسی کارکردهای وقف بر اساس آیات مذکور شده است.

همچنین بر اساس اصل «تعرف الأشياء بأضدادها» یکی از راه‌های شناخت بهتر و دقیق‌تر مفاهیم، توجه به مفاهیم قطب مخالف آن است. با توجه به مفهومی که از وقف ارائه شد، مفاهیمی چون تکاثر مال و کنز مال از مفاهیم تقابلی آن هستند؛

از این رو آیاتی که در این رابطه هستند نیز یاری‌رسان فهم جامع‌تر و دقیق‌تر ابعاد مسئله است.

۴-۱. کارکرد اخلاقی: وقف ابزار وصول به آزادگی، ایثارگری و تثبیت نفس

یکی از منازل اخلاقی، منزل و مقام ایثار است که به معنای تقدم داشتن دیگران بر خود است. یکی از مصادیق بارز این ایثارگری وقف است. این کارکردی است که از تعریف وقف استخراج می‌شود چون در تعریف وقف آمد که «وقف یعنی حبس مال در جایی و آزاد گذاشتن انتفاع از آن برای عموم یا گروهی خاص از مردم». بر اساس این تعریف سخن از اباحه انتفاع از مال وقفی برای مردم است که لازمه آن، آزاد گذاشتن آن برای آنان است. نکته ظریف در این بین آن است که به‌واقع کسی که می‌خواهد مالش را آزاد کند تا منافعش به دیگران برسد، نخست باید خودش را از آن رها کند و آزاد گرداند. کسی که در بند مال خویش باشد، چگونه می‌تواند آن را از خود جدا کند و در اختیار عموم قرار دهد؟! بنابراین وقف، راهی است برای آزادگی از هر آنچه انسان را در قید و بند خود قرار می‌دهد و این یعنی اوج ایثار.

آزادی و آزادگی بر اساس اینکه مضاف الیهش چه چیزی باشد قابل تقسیم به دودسته است: گاهی بعد از کلمه آزادی، حرف اضافه‌ی «از» قرار می‌گیرد و گفته می‌شود: آزادی از هواهای نفسانی، یا آزادی از مقام، یا آزادی از مال؛ گاهی بعد از کلمه‌ی آزادی حرف اضافه‌ی «در» می‌آید و گفته می‌شود: آزادی در بیان، یا آزادی در اندیشه. دانسته است که آزادی‌های نوع اول مقدم بر آزادی‌های دسته دوم است چون تا کسی که در بند مال و جاه باشد، آزادی‌های بیرونی چه سودی برای او دارد؟ آزادی نوع دوم، بدون آزادی نوع اول، نه آزادی که وبال است و موجب

خسران. وقف یا هرگونه سخاوت مالی، زمینه‌ی «آزادگی از مال و در بند بودنش» را فراهم می‌کند و از این طریق روح و روان آدمی را به مکرمت‌های اخلاقی می‌آراید. بالاترین نفعی که از مال به انسان می‌رسد، روحیه‌ی آزادگی است و این نفع، فقط در ایثار مال است نه در حب آن. (نک: بابایی، ۱۳۸۹: ۵۷-۵۸)

وقف و انفاق و مانند آن بیشترین سود را از مال، نصیب واقف و انفاق کننده آن می‌کند؛ زیرا او را به درجه‌ای از وارستگی و آزادگی می‌رساند که رسیدن به آن از طریق سایر عبادات و اعمال صالح نیز ممکن نیست. تعبیر قرآن از این نکته ظریف بدین گونه است که می‌فرماید «...وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ...» (بقره / ۲۷۲) هرچه انفاق کنید، سود آن به خودتان می‌رسد؛ یعنی در انفاق، آنکه سود می‌کند، انفاق کننده است. یا در آیه شریفه دیگری می‌فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ...» (اسراء / ۷) اگر نیکی کنید نیکی به خود کرده‌اید. مفاد این آیات غیر از مفاد آیاتی است که برای انفاق، پاداش بزرگ وعده داده‌اند. این آیه می‌فرماید: سود انفاق در خود آن است و البته پاداش بزرگی نیز در پی آن خواهد آمد. فرق است بین آنچه پاداش و بازتابش، در آینده خواهد آمد، با آنچه خودش پاداش محسوب می‌شود. آیه‌ی «...وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ...» (بقره / ۲۷۲) می‌فرماید: سخاوتمندی و انفاق، نخست برای شما سودمند است و سپس برای آنان که دریافت کننده‌اند؛ بنابراین در خود انفاق و وقف و مانند آنها فضیلتی است که نباید از آن غافل بود و آن تثبیت نفسی وارسته و مطمئن است که در آیه «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيئًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ...» (بقره / ۲۶۵) به آن اشاره شده است.

۴-۲. کارکرد اقتصادی: وقف ابزاری برای تحقق عدالت

با توجه به آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید / ۲۵) یکی از اهداف میانی ارسال رسل و انزال کتب، اقامه عدل و قسط در جامعه است. از آیات قرآن استفاده می‌شود که اقامه عدل و محقق شدن عدالت اجتماعی منوط به تحقق حداقل دو امر "جلوگیری از انباشته شدن ثروت در دست عده‌ای محدود" و «زدودن فقر از جامعه» است. آیه «... وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه / ۳۴) صریحاً ثروت‌اندوزی و گنجینه‌سازی اموال را تحریم کرده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۱۳۷۴ ش: ۳۹۴/۷) و از طرف دیگر در آیه «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى...» کی لا یكون ذولاً یبین الّٰغنیاء منکم...» (حشر / ۷) در مقام تعلیل اختصاص فیء به اقشاری چون یتیمان، مساکین و ابن سبیل‌ها می‌فرماید: این به خاطر آن است که این اموال عظیم دست به دست میان ثروتمندان شما نگردد، و نیازمندان از آن محروم نشوند.

وقف موجب پیشگیری از تکاثر، و زمینه ایجاد توازن اجتماعی را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر وقف از استکبار، اسراف، زیاده‌طلبی که از توابع تکاثر ثروت به شمار می‌آیند می‌کاهد و موجبات عدالت اجتماعی و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی را مهیا می‌کند.

البته وقتی سخن از تأثیر وقف بر عدالت اجتماعی و رشد و توسعه مطرح می‌شود هرگز به این معنا نیست که وقف به تنهایی می‌تواند همه ابعاد و زوایای گوناگون اقتصاد یک ملت را در برگیرد به طوری که در اقتصاد کشور به منابع مالی دیگر نیازی نباشد، بلکه منظور این است که وقف به عنوان یک سرمایه عظیم مالی می‌تواند در این سمت و سو نقش سازنده و قابل توجهی داشته باشد. همچنین به این

درآمدی بر کارکردهای وقف با تأکید بر آیات قرآن کریم ۱۹۹

معنا نیست که برخلاف اهداف واقفان، درآمد وقف را از موارد اصلی مصارف آن که در وقف‌نامه‌ها آمده است، منحرف کنیم و آنها را در راه تحقق استقلال اقتصادی و رشد و توسعه به کار گیریم و به مصرف برسانیم.

حقیقت این است که می‌توان سرمایه‌های عظیم وقف را نیز همانند دیگر سرمایه‌ها با رعایت همه جوانب موازین شرعی وقف، اهداف واقفان را در جریان فعالیت‌های تولیدی و خدماتی قرارداد و آنها را از حالت رکود به حالت تحرک و پویایی هدایت کرد تا به این وسیله به رشد و توسعه و استقلال اقتصادی (و سیاسی) کشور کمک شایان و قابل توجه کند و همچنین بر سرمایه‌های اوقاف افزوده شود که این امر یقیناً در راستای اهداف واقفان است. (خیرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱)

زدودن فقر از جامعه علاوه بر اینکه جزء مسئولیت‌های حکومت اسلامی است، از حدیث معروف «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ۳۶۴/۱) استفاده می‌شود که وظایف افراد جامعه اسلامی هم هست. در جامعه گاهی اوقات اختلاف طبقاتی آن قدر زیاد می‌شود که صرف پرداخت واجبات مالی باعث از بین رفتن فقر و اختلاف طبقاتی نمی‌شود، از این رو آن مسئولیت نسبت به یکدیگر و کفالت همگانی ساقط نمی‌شود و اینجاست که نقش سنت‌های مالی مستحبی چون وقف آشکار می‌شود که می‌تواند گامی در راستای از بین بردن فقر و برقراری عدالت از سوی مؤمنان برداشته شود. در حدیثی از امام صادق (ع) سؤال می‌شود در مال انسان چه مقدار زکات، واجب است؟ حضرت پاسخ می‌دهد: زکات ظاهر و (متعارف) را می‌گویی یا زکات باطن را؟ (راوی) عرض کرد: هر دو را. حضرت فرمود: زکات ظاهر در هر هزار درهم بیست و پنج درهم و اما ملاک در زکات باطن

این است که نیازهای برادرت را در نظر بگیری و در مواردی که او نیازمندتر است، خود را بر او مقدم نداری. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۸/۷)

۴-۳. کارکرد عبادی: وقف ابزاری برای تقرب معنوی

طبیعت انسان، در جمع مال، زیاده‌خواه بود و در این افزون‌طلبی، حق و باطل و حلال و حرام نمی‌شناسد، بلکه با علاقه فراوان به تکاثر در اموال می‌اندیشد: «وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (فجر / ۲۰) و اگر خزاین بیکران و بی‌پایان رحمت الهی را در اختیار داشته باشد، از ترس تمام شدن، ذره‌ای از دارایی‌اش را انفاق نمی‌کند: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (اسراء / ۱۰۰) این بخل طبیعت، محدودیتی ندارد و می‌تواند همه رذایل اخلاقی را با خود پیوند دهد. خدای سبحان، از هر راه ممکن، بیماری خطرناک مال‌دوستی را به بشر می‌شناساند و با جدال احسن یا موعظه یا برهان و گاهی نیز از راه تهدید (نک: سوره تکاثر) یا تشویق و تحبيب، انسان را به اصلاح و درمان آن فرا می‌خواند و تنها راه درمان را انفاق فی سبیل الله می‌داند.

دانسته است که محور اساسی در میان آثار و برکات انفاق، پاداش معنوی اخروی است نه پاداش مادی دنیوی؛ یعنی پاداش مادی عنصر محوری نیست، گرچه به‌عنوان برکت مال کاملاً مطرح است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۳۲۱/۱۲) گاهی اوقات شیطان با به انحراف کشاندن اصل کار عبادی در صدد است ما را از مسیر انفاق و صدقه به تکاثر اموال بکشاند، به بیان دیگر می‌کوشد جای نتیجه فرعی (برکت مال) را با نتیجه اصلی (رشد و تعالی معنوی و اجر و برکت اخروی) را جا بجا کند. چون برخی آیات مانند «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ

درآمدی بر کارکردهای وقف با تأکید بر آیات قرآن کریم ۲۰۱

مَنوعاً» (معارج / ۱۹-۲۱) بیانگر این هستند که چنین زمینه بیماری در انسان است و شیطان سعی می‌کند با بهره بردن از این زمینه ما را به تکاثر در اموال بکشاند و مال دوست پیروRAND تا به طمع دستیابی به مال بیشتر بخشش کنیم. این‌گونه انفاق، بخشش مال برای مال و دنیا برای دنیاست که آغاز درد است نه درمان آن. اینجاست که نقش اساسی اعمال عبادی چون وقف روشن می‌شود و فرد واقف با قطع ملکیت ملکش می‌تواند زمینه بیماری مال دوستی را در خود ریشه‌کن نماید؛ بنابراین وقف بیش و پیش از آنکه خیر و فایده‌ای برای دیگران داشته باشد، واقف را دگرگون و مستعد دریافت‌های معنوی می‌کند؛ زیرا جان او را از وابستگی می‌رهاند و باران تزکیه و وارستگی را بر سر او جاری می‌کند. در همین زمینه امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید: «سوسوا ایمانکم بالصدقة و حصّوا أموالکم بالزکاة» (شریف رضی، ۱۴۱۴: حکمت ۱۴۶ صبحی صالح)؛ ایمانتان را با صدقه و اموالتان را با زکات حفظ کنید؛ نه افزایش دهید. یکی از مصادیق اجلای صدقه‌ای که انتظار منافع دنیوی در آن حداقل برای دهنده آن خیلی کمتر است، سنت حسنه وقف است.

حضرات معصومان که اسوه‌های ایثار و انفاق بودند، خود سعی می‌کردند این دستورالعمل را در زندگی خود بکار برند. آنها هیچ‌وقت از انفاق و بخشش به دنبال منافع مادی نبودند. چون می‌دانستند که در اصل منظور از پاداش‌هایی که برای انفاق بیان شده مادی نیست. اگر هفتصد برابر شدن انفاق، از جهت مادی منظور بود، باید در مورد اسوه‌های ایثار و انفاق، مانند امام علی علیه‌السلام تحقق می‌یافت، حال آنکه خیراتی که ائمه اطهار علیهم‌السلام در نهایت اخلاص داشتند، در این دنیا هفتصد برابر نشد. برای نمونه: از اموال فیهی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تقسیم کردند زمینی نصیب امیرمؤمنان، علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام شد و آن حضرت در آن زمین، چشمه‌ای

پر آب پدید آورد کرد که به آن «یُنْبُع» می‌گفتند. پس از فوران آب، حضرت علی علیه‌السلام بی‌درنگ آن را وقف کرد: «هِيَ صَدَقَةٌ بَتَّةً بَتًّا فِي حَجِيجِ بَيْتِ اللَّهِ وَ عَابِرِ سَبِيلِهِ، لَاتَّبَاعٍ، وَلَا تُوَهَّبُ، وَلَا تُورَثُ...» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۳ / ۴۶۱)؛ لیکن چنین انفاق خالصانه‌ای، سبب ۷۰۰ برابر شدن باغ در دنیا نشد.

۴-۳-۱. وقف سپری در برابر آتش دوزخ

در برخی آیات به مؤمنان توصیه شده که خود را از آتش دوزخ نگاه دارند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» (تحریم/۶). فکر نجات از آتش هم باید از طریق عبادت باشد و هم از طریق دیگر اعمال نیک. علی علیه‌السلام در آخرین وقف‌نامه خود به شیعیان خود می‌آموزد که یکی از اعمال حسنه‌ای که به موجب آن می‌توان خود را از آتش دوزخ دور نگاه داشت وقف است. ایشان آن‌گاه که اموالی را در راه خدا وقف می‌کردند، در وقف‌نامه‌ی خود می‌نوشتند: «هَذَا مَا أُوصِي بِهِ وَقَضِي بِهِ فِي مَالِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيٌّ، ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ... وَ يَصْرِفُنِي بِهِ عَنِ النَّارِ، وَ يَصْرِفُ النَّارَ عَنِّي يَوْمَ تَبْيَضُ وَجُوهٌ وَ تَسْوَدُ وَجُوهٌ...» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۳ / ۴۴۸) این اموال را وقف کردم، تا بدین وسیله از آتش دوزخ در امان باشم و آتش دوزخ نیز از من دور باشد.

۴-۳-۲. وقف راهی برای فرار از خسران

اصلی‌ترین سرمایه انسان عمر اوست که بخش زیادی از این سرمایه صرف به دست آوردن مال و سرمایه مادی می‌شود؛ بنابراین مال و سرمایه مادی قیمتی گزاف و هنگفت به نام سرمایه عمر هر انسانی دارد. از این رو مال و سرمایه را باید به گونه به مصرف رساند که ارزش عمر انسان را داشته باشد. باید کاری کرد که مال و

درآمدی بر کارکردهای وقف با تأکید بر آیات قرآن کریم ۲۰۳

سرمایه انسان جاودانه گردد؛ و برای جاودانگی مال راهی بهتر از وقف و انفاق فی سبیل الله (باقیات صالحات) وجود ندارد. چون آنچه جاودانه است فقط خداست و هر چه الهی و خدایی شود رنگ و بوی جاودانگی خواهد گرفت. این حقیقت را آیات نورانی قرآن کریم به زبان‌ها و بیان‌های مختلف بیان فرموده است: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٌ...» (نحل / ۹۶) آنچه نزد شماست پایان می‌پذیرد و آنچه نزد اوست، باقی است؛ «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص / ۸۸)؛ «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن / ۲۶-۲۷) پس هیچ عمل یا عامل صالحی تا به خدا نرسد، رنگ خدایی به خود نگیرد و خصوصیت «وجه الله» ی پیدا نکند، دوام نخواهد یافت. در آیه «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٌ...» (نحل / ۹۶) خداوند می‌فرماید: آنچه شما به کف می‌آورید دوام و بقایی ندارد؛ بنابراین چرا عمری را که ارزش آن بیرون از حساب است صرف متاعی کنیم که دوامی ندارد؟ یا هیچ عاقلی، بی‌نهایت را در پای امور محدود و حقیر می‌ریزد؟!!

وقف راهی است که بی‌نهایت را به بی‌نهایت وصل کند. راهی است برای اینکه قیمت عمر خود را بگیریم و به اندازه‌ی آنچه داده‌ایم نصیب بریم. وقف، کار و عمر انسان را ضایع نمی‌کند و بابت صرف عمر که ارزش بی‌نهایت دارد سود ابدی می‌دهد. به سخن دیگر، وقف راهی است برای فرار از زیان و خسران ابدی. وقف مصداق عمل صالحی است که سوره عصر از آن سخن می‌گوید و آن را موجب ایمنی انسان از خسران می‌شمرد: «وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَصَّوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَصَّوْا بِالصَّبْرِ» (عصر / ۱-۳) پیام این سوره‌ی شریف آن است که انسان در زیان است، مگر آنکه به اعمال صالح روی آورد. کدام عمل صالح، عمر گرانمایه‌ی انسان را بهایی درخور می‌دهد؟ آن عمل، باید ارزش بقا و ابدیت

داشته باشد و خداوند فرموده است که هرچه را نزد من به امانت بگذارید، تا روز جزا برای شما نگه‌داری می‌کنم. وقف، مال انسان را از خطر اتلاف می‌رهاند و خدا را امین آن می‌کند. (بابایی، ۱۳۸۹: ۵۶)

در سوره کهف نیز، پیام می‌دهد که اگر می‌خواهید عمر خود را تباه نکنید، و از خود چیزی باقی بگذارید، حاصل عمر و دسترنج خود را به خداوند بسپارید: «الْمَالُ وَ الْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْلًا» (کهف / ۴۶) مال و فرزندان زیور زندگی دنیا هستند و نیکی‌های پایدار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید و آرزو نیز بهتر است. آیا، یکی از بهترین راه‌ها برای سپردن مال و جان خود به خداوند، وقف نیست؟ بدین ترتیب، آنچه به قیمت عمر (ارزشمندترین سرمایه انسان) حاصل شده است، هدر نمی‌رود و این سنت، عمر آدمی را از گزند بیهودگی و اتلاف نجات می‌دهد. از علی علیه‌السلام نقل شده که: «الْمَالُ وَبِالْغَى صَاحِبِهِ إِلَّا مَا قَدَّمَ مِنْهُ» (لیثی، ۱۳۷۶: ۵۹) مال و بالی بر گردن صاحب آن است؛ مگر آنچه پیش فرستاده شود، و چه پیش فرستادنی بهتر از وقف.

۴-۴. وقف پشتمانه‌ای برای پیشرفت علمی و فرهنگی

در طول تاریخ اسلامی وقف، عمده‌ترین پشتمانه‌ی اقتصادی برای مراکز عبادی و علمی بوده است. حتی تنوع و گسترش موقوفات این امکان را فراهم ساخت که مدارس علمی و مساجد با عظمت و ماندگار ساخته شود و گروه‌هایی از مردم در آنها به تحصیل و تهذیب و عبادت بپردازند. نقش مراکز تعلیمی و عبادی در گسترش و ارائه‌ی خدمات علمی و فرهنگی به جامعه قابل انکار نیست و بدین رو وقف که پشتمانه‌ی مادی و معنوی این مراکز بود، تأثیر بسیار مهمی بر روند توسعه علمی و فرهنگی ممالک اسلامی داشت.

درآمدی بر کارکردهای وقف با تأکید بر آیات قرآن کریم ۲۰۵

وقف در امر آموزش کشورهای اسلامی نقش فوق‌العاده مهمی را ایفا کرده است. وظیفه وقف ابتدا، آموزش در مساجد بود. مساجد که عموماً وقفی هستند علاوه بر محل انجام فرائض مذهبی، محل تشکیل جلسات متعدد درس و بحث بود. به‌عنوان نمونه، مسجد اعظم قم، محل تشکیل جلسات دروس علمی بزرگان و مراجع تقلید است که روزانه در آن کلاس‌های متعددی از فقه، اصول، اخلاق و تفسیر برگزار می‌گردد و محل مباحثه ده‌ها طلبه است. نقش مساجد در امر تعلیم و تربیت اسلامی تا حدی است که مدارس اولیه شکل و فرم ظاهری مسجد را داشتند. ابن خلدون، رواج و گسترش علوم در کشورهای اسلامی را مرهون اوقاف و فراهم بودن امکانات ادامه تحصیل برای دانش‌پژوهان می‌داند و در این باره می‌گوید:

"گمان می‌کنم رواج بازار دانش و پیوستگی سند تعلیم در دانش‌ها و دیگر صنایع ضروری و کمالی در آن سرزمین به سبب فراوانی عمران و ترقی حضارت (تمدن و شهرنشینی) و کمک کردن به طالبان دانش از راه وظایف و مقرری‌هایی است که از اوقاف برای آنان معین می‌شود و در نتیجه با توسعه یافتن اوقاف، موجبات رفاه‌طلبان علم فراهم می‌آید." (ابن خلدون، ۱۳۵۳: ۸۹۴)

۴-۵. وقف یعنی مسابقه در کارهای نیک و پُر کردن خلأهای جامعه

خوبی‌ها و پاکی‌ها میدان و گستره‌ای وسیع دارند و آیات قرآنی انسان‌ها را دعوت می‌کنند که به‌سوی این خیرات سبقت بگیرند: «... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ...» (بقره / ۱۴۸). پیشی گرفتن در خیرات مسبوق به ۲ امر پیشینی است: اول اینکه مؤمنان باید خلأهای جامعه را شناسایی کنند تا زمینه‌های انجام کارهای نیک مشخص شود؛ دوم اینکه در انجام کارهای خیر سرعت بگیرند، زیرا کسی پیشی خواهد گرفت که

سرعت بگیرد. لازم به ذکر است که سبقت گرفتن در فضایل نه تنها مذموم نیست، بلکه ممدوح است، زیرا سبقت در فروتنی مثلاً، انسان متواضع را خاکسارتر می‌کند. چنین سبقتی هم خود محبوب است و هم سبب محبوبیت سبقت گیرنده نزد دیگران است. سبقت ناپسند و مذموم آن است که سبب کبر شود، یا بر کبر انسان بیفزاید که هم خود نکوهیده است و هم متّصف به آن مورد نکوهش خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۵۹/۷)

از مجموع آیاتی که واژه خیر در آن‌ها به کاررفته، استفاده می‌شود که هرچه انسان را به خداوند تعالی نزدیک سازد و در دنیا و آخرت برای انسان صالح باشد، خیر است. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۲۰/۲) همچنین با توجه به این که «الخیرات»، جمع محلا به الف و لام است و از سویی جمع محلا به الف و لام، افاده عموم می‌کند، کلمه‌ی الخیرات شامل همه خوبی‌ها از واجبات و مستحبات می‌شود. استاد جوادی آملی در این زمینه می‌گوید: آمدن "خیر" بصورت جمع و با الف لام- (الخیرات)- به این نکته اشاره دارد که راه‌های خیر فراوان است. راه خیر برای هرکسی در هر کسوت و پیشه‌ای باز است، اگرچه برای همه یکسان نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۵۷/۷) بدیهی است که با توجه به تشویق روایات به سنت وقف و با توجه به انجام وقف به وسیله‌ی معصومان (ع)، وقف می‌تواند که یکی از مصادیق خیر باشد. تاریخچه وقف گواه این است که واقفان با شناسایی خلأهای جامعه اسلامی، با اوقاف تلاش در پُر کردن این خلأها داشته‌اند و امید است دست اندکاران اوقاف، با اطلاع‌رسانی و آموزش واقفان را در این راستا سوق دهند.

۴-۶. وقف تلاشی برای رسیدن به مقام «بر»

وقف انفاقی است که اولاً سائل مستقیمی ندارد که از شما بخواهد تا شما انفاق بکنید، ثانیاً خیلی از استفاده‌کنندگان از وقف در آینده خواهند آمد فلذا نه واقف آنها را می‌بیند و نه آنها واقف را می‌بینند که از او تشکر بکنند. هر چند انفاق کردن مصداقی از بر و نیکی کردن است ولی وقف (انفاق با ویژگی‌های مذکور) مقامی بالاتر از انفاق عادی و ساده است. از این رو می‌توان وقف را عمل به آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...» (آل عمران / ۹۲) دانست که می‌فرماید هرگز به نیکی (کامل) نمی‌رسید تا از آنچه خود دوست دارید انفاق نمایید. محتوای آیه مطلق است، زیرا موضوعش انفاق از دوست‌داشتنی‌هاست. بدیهی است که وقف می‌تواند یکی از مصادیق «بر» باشد؛ به‌ویژه با توجه به این که در تفسیر آیه به مواردی اشاره شده که افرادی مالشان را انفاق یا وقف کرده‌اند و احیاناً تشویق شده‌اند؛ از جمله گفته شده که شخصی به نام ابو طلحه انصاری در مدینه نخلستان و باغی زیبا و مصفا داشته که همه در مدینه از آن سخن می‌گفتند و در آن، چشمه‌ی آب صافی بوده و هر وقت پیامبر (ص) به آن باغ می‌رفتند، از آن آب میل می‌فرمودند و وضو می‌گرفتند. پس از نزول آیه‌ی شریفه یادشده، ابو طلحه خدمت پیامبر آمد و عرض کرد: می‌دانید که محبوب‌ترین اموال من همین باغ است و می‌خواهم آن را در راه خدا انفاق کنم تا ذخیره‌ای برای آخرتم باشد. پیامبر فرمود: «بخ بخ ذلک مال رابع؛ آفرین بر تو، آفرین بر تو! این ثروتی است که برای تو سودمند خواهد بود» سپس فرمود: «من صلاح می‌دانم که آن را به خویشاوندان نیازمند خود بدهی.» ابو طلحه دستور پیامبر را عمل، و آن را میان بستگان خود تقسیم کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۳/۲) در تفسیر ابوالفتوح رازی

در پایان ماجرای یادشده گفته شده: «پیامبر(ص) فرمود: این که گفتی شنیدم و مصلحت در آن دائم که بر خویشان خود وقف کنی. گفت یا رسول الله آن چنان که باید کردن می فرمایی. رسول بر ایشان وقف کرد. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۴/۴۲۷)

همچنین گفته شده: زبیده، همسر هارون الرشید، قرآنی بسیار گران قیمت داشت که آن را با زر و زیور و جواهرات تزیین کرده بود و علاقه‌ی بسیاری به آن داشت. یک روز هنگامی که از همان قرآن تلاوت می کرد، به آیه‌ی «لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا مما تحبون» رسید، با خواندن آیه در فکر فرو رفت و با خود گفت: هیچ چیز مثل این قرآن نزد من محبوب نیست و باید آن را در راه خدا انفاق کنم و کسی را به دنبال جواهرفروشان فرستاد و تزیینات و جواهرات آن را بفروخت و بهای آن را در بیابان‌های حجاز برای تهیه آب مورد نیاز بادیه‌نشینان مصرف که می‌گویند امروز هم بقایای آن چاه‌ها وجود دارد و به نام وی نامیده می‌شود. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۴/۳)

۴-۷. وقف، صدقه‌ای ویژه

در پاره‌ای از روایات، هر نوع کار خوبی صدقه دانسته شده؛ چنان‌که در حدیث نبوی آمده است: «کلُّ معروفٍ صدقةٌ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۷/۲۶۸) اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سُکنا، عُمرا، رُقبا، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظایر آن، برای آن است که امور مزبور نشانه صداقت ایمان و صدق مُتصدّق و واقف می‌باشد. اما وقتی که صدقه فقط به معنای وقف به کار رود، با قرآینی همچون جاریه و مشابه آن همراه است. وقف صدقه است اما صدقه‌ای ویژه که شواهد ذیل ویژه بودن آن را ثابت می‌کند.

اولاً: با توجه به آیه «یا ایها الذین امنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالئنّ و الاذی...» (بقره/۲۶۴)، صدقه بسیار ظریف و شفاف می‌باشد، با اندک غبار منت و گرد آذیت، غبارین شده و

درآمدی بر کارکردهای وقف با تأکید بر آیات قرآن کریم ۲۰۹

شایسته صعود به بارگاهی که جز کلم طیب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد: «...إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ...» (فاطر / ۱۰) نخواهد بود. اما از آنجاکه واقف، اغلب با موقوف علیهم روبه‌رو نیست، وقف وی صدقه‌ای شمرده می‌شود که از منت و آزار مبطل صدقه، خالی است؛ بنابراین امکان بطلان آن کم و امکان صعود و بار یافتن آن به بارگاه حضرت متعال زیاد است.

ثانیاً: بر اساس آیاتی چون «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ .. وَ يَزَكِيهِمْ» (جمعه / ۲) از مهم‌ترین اهداف بعثت، تزکیه نفوس است. مطابق آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا...» (توبه / ۱۰۳) یکی از بارزترین مصداق تزکیه، همانا تأدیه صدقه می‌باشد و کامل‌ترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود و هیچ صدقه چون وقف، چنین مزیت جاودانه را واجد نیست. تا وقتی ملک یا رقبه وقفی برقرار است و به موقوف علیهم نفع می‌رساند روح صاحب آن در دارالقرار، قریر العین خواهد بود و خداوند، قادم را چون غایب می‌نگارد: «وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُ» (یس / ۱۲) و جزء اعمال بر ممتوفی محسوب می‌گردد. از این رو از پیامبر گرامی اسلام نقل شده که فرمودند: «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ وَكَلِدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ وَ عِلْمٍ يَنْتَفِعُ بِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۲۶۰/۳) زمانی که فرزند آدم بمیرد پرونده‌ی عمل او بسته می‌شود مگر از سه چیز: صدقه‌ی جاریه (وقف)، علم مفید و فرزند صالحی که برای او دعا کند.

۴-۸. وقف مظهر احسان به جهانیان

خدای متعال انسان‌ها را به عدل و احسان امر کرده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ آتِ ذِي الْقُرْبَىٰ...» (نحل / ۹۰) و یک از مصادیق احسان همان سنت مستحبی وقف می‌باشد.

گر چه وقف، امری عبادی است و باید از مصادیق احسان قُربی باشد، لیکن این بدین معنا نیست که «موقوف علیه» نیز باید متعبد و متقرب به خداوند باشد، بلکه تقرب و تعبد واقف به یک امر قُربی برای صحت وقف کفایت می‌کند. بنابراین، انسان می‌تواند مال خود را برای تغذیه یا اسکان شخص غیر مسلمان یتیم و بی‌سرپرست وقف کند. شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاد می‌نماید که جهانی بیندیشد و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد؛ چنان‌که رسول گرامی چنین دینی، رحمه للعالمین معرفی شد؛ لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمی و حربی، مادامی‌که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه / ۸) گواه آن می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۴۶۲/۲)

۵. نتیجه‌گیری

دین مبین اسلام در راستای تزریق روح برادری، نوع‌دوستی، احسان و همکاری و تعاون در جامعه، نهادهایی چون قرض‌الحسنه، هبه، صدقه، عاریه، و ... را در سطح جامعه بین مسلمانان ایجاد کرده است. یکی دیگر از این نهادها، سنت حسنه وقف است. سؤال اساسی که این پژوهش جواب دادن به آن را سرلوحه کار خود قرار داده این است که بر اساس آیات قرآن کریم وقف از چه کارکردهایی برخوردار است؟ با بررسی آیات قرآن می‌توان نگاهی جامع نسبت به کارکردهای این سنت حسنه پیدا کرد که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

درآمدی بر کارکردهای وقف با تأکید بر آیات قرآن کریم ۲۱۱

۱. از اصلی‌ترین کارکردهای رساندن انسان به مقام ایثار و آزادگی است چون فرد واقف با آزاد شدن از بند مال، آن را در اختیار دیگران گذاشته و این‌گونه روح آزادگی و ایثارگری (ترجیح دیگران بر خود) را در خود تقویت و تثبیت می‌کند.

۲. کارکرد اقتصادی وقف این است که با سوق دادن مالکیت خصوصی به سمت مالکیت عمومی هم می‌تواند فقرزدایی داشته باشد و هم از تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود جلوگیری می‌کند و بدین‌وسیله گامی در راستای تحقق عدالت اجتماعی محسوب می‌شود.

۳. کارکرد دیگر وقف آن است که وقف بیش و پیش از آنکه خیر و فایده‌ای برای دیگران داشته باشد، واقف را دگرگون و مستعد دریافت‌های معنوی می‌کند؛ زیرا جان او را از وابستگی و بیماری مال دوستی می‌رهاند و باران تزکیه و وارستگی را بر سر او جاری می‌کند.

۴. کارکرد دیگر وقف آن است که سپر و مانعی در برابر آتش دوزخ است که فرد واقف با عمل صالح و خالصانه‌اش می‌تواند از خدای متعال این سپر و امان را دریافت بدارد.

۵. کارکرد دیگر وقف جاودانه ساختن سرمایه انسان است. چون اصلی‌ترین سرمایه انسان عمر اوست که بخش زیادی از این سرمایه صرف به‌دست‌آوردن مال و سرمایه مادی می‌شود؛ بنابراین مال و سرمایه مادی قیمتی گزاف و هنگفت به نام سرمایه عمر هر انسانی دارد. از این‌رو مال و سرمایه را باید به گونه به مصرف رساند که ارزش عمر انسان را داشته باشد. باید کاری کرد که مال و سرمایه انسان جاودانه گردد؛ و برای جاودانگی مال راهی بهتر از وقف و انفاق فی سبیل الله (باقیات صالحات) وجود ندارد.

۶. کارکرد دیگر وقف پشتوانه بودن این سنت برای علم و فرهنگ است.
۷. کارکرد دیگر وقف این است که با شناسایی و پُر کردن خلأهای جامعه، واقف را وارد مسابقه پیشی گرفتن در کارهای نیک می‌گرداند.
۸. وقف تلاشی برای رسیدن به مقام ابرار و نیکان است که مقامی والاست.
۹. وقف صدقه است اما صدقه‌ای ویژه چون از دو ویژگی برخوردار است که خاص وقف است و آنها، یکی جاریه بودن آن حتی بعد از مرگ متصدق و واقف است و دیگر در معرض نبودن آن از مبتلا شدن به خطر منت و آزار، هستند.
۱۰. اسلام دینی جهانی و پیامبرش رحمه للعالمین است و وقف احسانی است که اختصاص به مسلمین ندارد و می‌تواند شامل غیر مسلمین هم بشود.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین، (۱۴۰۵ ق.)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، قم: دار سید الشهداء للنشر.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق.)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وایسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ ق.)، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم‌السلام.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۵۳)، مقدمه ابن خلدون، (ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی)، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

درآمدی بر کارکردهای وقف با تأکید بر آیات قرآن کریم ۲۱۳

۶. ابن هشام، عبدالملک، (بی تا)، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت: دارالمعرفه.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۸. خوان مقدم، زهره، خلجی، فاطمه، (زمستان ۱۳۹۷)، «حوزه معنایی وقف در قرآن کریم»، وقف میراث جاویدان، ش ۱۰۴، صص ۱۱۱-۱۳۶.
۹. بابایی، رضا، (پاییز ۱۳۸۹)، «وقف از نگاه اخلاق و عرفان»، وقف میراث جاویدان، ش ۷۱، صص ۴۹ تا ۶۲.
۱۰. بروجردی، آقا حسین، (۱۳۸۶ ش)، جامع احادیث الشیعۀ، تهران.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ ش)، تسنیم، قم: نشر اسراء.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵ ش)، سرچشمه اندیشه، ج ۲، قم: نشر اسراء.
۱۳. چنارانی، محمدعلی، (پاییز و زمستان ۱۳۸۱)، «وقف در سیره پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع)»، وقف میراث جاویدان، شماره ۳۹ و ۴۰، صص ۲۶ تا ۳۱.
۱۴. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۳۸۸ ق)، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۵. حیدری، حسین، خدیجه کاردوست، خدیجه، (بهار ۱۳۹۲)، «مبانی عوامل و گستره وقف و شبه وقف در یهودیت با تأکید بر عهد عتیق»، وقف میراث جاویدان، ش ۸۱، صص ۱۷-۵۲.
۱۶. خوشنودی، عفت، (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، «بررسی شرح و توضیح متن کامل وقف‌نامه حضرت علی علیه السلام»، وقف میراث جاویدان، ش ۷۹ و ۸۰، صص ۱۶۵-۱۹۸.
۱۷. خیرآبادی، سعید، (زمستان ۱۳۸۸)، «اهداف اقتصادی و اجتماعی اسلام در نهاد وقف»، وقف میراث جاویدان، ش ۶۸.

۲۱۴ دو فصلنامه تفسیر پژوهی

۱۸. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق.)، نهج البلاغه (للصباحی صالح)، قم.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش.)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۰. طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵ ه.ش.)، مجمع البحرین، تهران.
۲۱. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ ه.ق.)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۲۲. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ ه.ق.)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۱۰ جلد، قم: کتابفروشی داوری.
۲۳. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ ه.ق.)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۳ جلد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق.)، الکافی، ۱۵ جلد، قم: دار الحدیث.
۲۵. لیشی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش.)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث.
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق.)، بحار الأنوار، بیروت.
۲۷. مسلم بن حجاج، (بی تا)، صحیح مسلم، بی جا.
۲۸. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: قاهره.
۲۹. مصطفوی رجالی، مینودخت، (۱۳۵۱ (۱۹۷۲))، وقف در ایران، انتشارات آستان قدس رضوی: مشهد.
۳۰. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۱)، الفقه علی المذاهب الخمسة، ۲ جلد، بیروت، لبنان: دار التیار الجدید.
۳۱. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق.)، المقنعة، قم.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴ ش.)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۳. موسوی سبزواری، عبدالاعلی، (۱۴۰۹)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۱ جلد، دفتر سماحه آیت الله العظمی السبزواری، بی جا، بی جا، چاپ ۲.

درآمدی بر کارکردهای وقف با تأکید بر آیات قرآن کریم ۲۱۵

۳۴. مهتابی زیناب، طاهر، (۱۳۹۲)، «آسیب‌شناسی وقف»، وقف میراث جاویدان، ش ۸۲، ص ۵۷-۶۶.

۳۵. ناصری، مهدی و همکاران، (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، «جستاری در باب وجوه بلاغی آیات وقف»، وقف میراث جاویدان، ش ۷۹ و ۸۰.

۳۶. نسائی، احمد بن علی، (۱۴۱۱)، السنن الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیة: منشورات محمد علی بیضون.